

عنوان

اعجاز قرآن در سنت های اجتماعی

نام گردآورنده: اعظم بهرامی

حوزه نورالهدی ماهدشت

چکیده

در این نوشتار، پس از بیان و بررسی مفاهیم اعجاز اجتماعی، سنت و قانون، اهمیت شناخت سنت‌های اجتماعی ویژگیهای قوانین جامعه‌شناسی در قرآن بیان گردیده و در پایان، موارد و مصادیق اعجاز اجتماعی قرآن در زمینه قوانین و سنن اجتماعی مورد دقت قرار گرفته است. سنت برادر بودن مؤمنان با همدیگر، اصل عدالت (هدف اصلی بعثت انبیاء)، سنت فراگیری آثار اعمال، سنت ظهور و سقوط امت‌ها، سنت ارسال رسل، سنت پیروزی حق بر باطل، سنت مجازات، سنت مهلت دادن، سنت عبرت‌آموزی از اهمّ مصادیق سنن اجتماعی است که قرآن کریم به آنها اشاره نموده است. در تمام این موارد دست‌کم می‌توان گفت: تمام این ویژگی‌ها، به طور مجموعی، قبل از اسلام و نزول قرآن وجود نداشته است؛ لذا می‌توان از این حیث، اعجاز اجتماعی قرآن را در عرصه ارائه قوانین اجتماعی به اثبات رساند.

واژگان کلیدی:

قرآن، جامعه، اعجاز اجتماعی، جامعه‌شناسی، سنت‌های اجتماعی، قوانین اجتماعی.

مقدمه

خداوند هنگامی که حکمت خود را بر زمین گسترانید سعادت دنیوی و اخروی انسان را در قالب کتابی نازل ساخت که آن را قرآن نامید؛ این هدایت‌نامه بزرگ الهی، جامع تمام نیازهای بشری بوده و مربوط به همه ادوار و عصرهاست و تمامی انسان‌ها را شامل می‌شود. احکام و عبادات، قوانین، فضایل و آداب و قوانین سیاسی، مدنی، اجتماعی و اقتصادی همگی در قرآن جمع شده است.

از لحن و بیان قرآن در آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» (بقره/23)؛ «و اگر از آنچه بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم، در تردید هستید، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای همانندش بیاورید». معلوم می‌شود که وجوه اعجاز محدود به زمینه‌ای خاص نیست، بلکه آیات متعدد در هر قسمتی به جنبه‌ای از این اعجاز اشاره دارند.

یکی از جنبه‌های علمی اعجاز قرآن، بعد اجتماعی آن است. اعجاز اجتماعی قرآن را به لحاظ مفهومی بایست در ساختار قرآنی‌اش تعریف نمود؛ ساختاری که شامل مباحث و اصولی می‌شود که به طور عمده ناظر به حیات اجتماعی انسان در گذشته، حال و آینده است و اساساً با توجه به کاربست آن در دو بعد نظر و عمل، سعادت انسانی تأمین و تنها با پیمودن چنین مسیری بهشت دست یافتنی و عاقبت بشر ترسیمی عادلانه و معقول می‌یابد. زمانی این بعد از اعجاز قرآن بیشتر خود نمایی می‌کند که برنامه‌هایی را که تاکنون بشر برای سعادت خود داشته، مرور و نتیجه پیشنهادات او را مورد توجه قرار دهیم. یک نمونه بارز آن جامعه‌شناسی است که با ادعای کشف قوانین حاکم بر رفتار اجتماعی، توانسته است به نوعی علت یابی و کارکردشناسی یا معانی رفتار بشر را فهم کند؛ قوانینی که نه تنها گره‌ای از مشکلات و مسائل جامعه بشری نگشوده، بلکه حتی در کانون شکل‌گیری خود و در دیگر جاها او را بیش از پیش گرفتار ساخته و نمونه‌ای از جاهلیت ثانی را خلق کرده که بشریت را به نظاره آن

کشانده است. (مجله قرآن و علم، 81)

مفهوم‌شناسی

اعجاز از ماده «عجز» است که در اصل نقیض «حزم» (محکم بستن طناب) (ابن منظور، 369/5) به معنای ضعف و ناتوانی است (فراهیدی، 215/1)، اما در اصطلاح عبارت است از امر خارق‌العاده‌ای که مقرون به تحدی (مبارزطلبی) و سالم از معارضه باشد. (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، 311/2). البته برای ارائه تعریفی دقیق و کامل‌تر، قیود دیگری نیز به این تعریف اضافه کرده‌اند، از جمله اینکه معجزه باید به دست انبیای الهی انجام گیرد، همراه با تحدی و هم‌اورد طلبی باشد، به عنوان شاهد بر صدق ادعای نبوت باشد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، 23/4؛ خویی، البیان فی تفسیر القرآن، 35)

مفهوم اعجاز اجتماعی قرآن

تفسیر اجتماعی در قرون اخیر با حرکت سیدجمال‌الدین اسدآبادی در مصر با نگاهی نو به تعلیم قرآن و اسلام شکل گرفت و شاگرد او، محمد عبده، این نهضت را در گرایش تفسیر اجتماعی متبلور ساخت و پس از او، چنین گرایشی در تفاسیر دیگری همچون المنار، تفسیر المراغی، فی ظلال القرآن، محاسن التأویل، المیزان، نمونه، پرتوی از قرآن، الکاشف و من وحی القرآن دنبال شد (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن 347-348/2) اعجاز اجتماعی قرآن به این معناست که قرآن در زمینه‌های اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده که قبل از قرآن سابقه نداشته و با عقل و فنون آن زمان قابل دستیابی نبوده و بعد از مدت‌ها به این مطالب و لطایف قرآن پی برده شده است.

طبق نظر اسلام، جامعه انسانی همچون سایر مخلوقات الهی تحت سنن و قوانین معینی به حیات خویش ادامه می‌دهد. در اهمیت شناخت این «سنن» و خصوصیات آن، جای هیچ‌گونه شکی نیست. از آنجا که جامعه ما یک جامعه اسلامی است و در جهت رسیدن به مدینه فاضله اسلام در حرکت می‌باشد، شناختن این سنن‌ها، واجب است؛ چه با شناخت این سنن و قوانین است که جامعه اسلامی می‌تواند راه صلاح را از فساد تشخیص بدهد و به هدف والای خود که همان آرمان‌های اسلامی در زندگی اجتماعی است، نایل آید. آیات و روایات متعددی در این زمینه وجود دارد. علاوه بر این نصوص، دلایل عقلی نیز حکم بر وجود قانون در زندگی اجتماعی می‌کند. واژه خاصی که در متون اسلامی برای قانونمندی جامعه به کار می‌رود، «سنّت» است. برخی از سنن الهی در قرآن کریم با همین لفظ مشخص شده‌اند، ولی آیاتی نیز وجود دارد که اگرچه این واژه در آنها به کار نرفته، ولی نوعی از سنن الهی در آنها مدنظر است؛ بنابراین همه سنن‌ها در قرآن منصوص نیست، بلکه بخش قابل توجهی از آنها استنباطی است. استنباطی بودن سنن‌ها اقتضا دارد که محقق با مطالعه الگومند و با کنار هم قراردادن منطقی آیات، قوانین مطوی در آیات را فهم و در اختیار علاقمندان معارف قرآنی قرار دهد.

تأکیدات و توجهات مکرر قرآن کریم به حاکمیت سنن بر جامعه و تاریخ و سرگذشت جوامع و

تمثیلات متعدد آن، بیان قصص متعدد و گاه تکرار برخی سرگذشت‌ها و تصریحات فراوان به عبرت‌گیری از این سرگذشت‌ها، بیانگر بیانی اعجازگونه در همانندی قوانین جامعه‌شناختی حاکم بر جوامع و سنن اجتماعی مد نظر قرآن کریم است. سرنوشت مشترک داشتن و از طرفی وجود مشترکات فراوان در بین ملل و جوامع و در نتیجه اعتقاد به وجود اشتراک جوامع در قوانین جامعه‌شناسی، دلیلی روشن بر همانندی سنن مورد نظر قرآن کریم و قوانین جامعه‌شناختی است.

رویکردهای اعجاز اجتماعی قرآن

اعجاز اجتماعی قرآن از سه جهت قابل طرح است:

1. بیان گزاره‌های قوانین اجتماعی برتر قرآن؛

2. نقش قرآن در تحوّل اجتماعی جامعه عرب جاهلی؛

3. تبیین نظام اجتماعی برتر قرآن.

در این نوشتار، تنها به بُعد نظریه‌ها و قوانین و سنن قرآن در زمینه اجتماعی پرداخته شده است؛ و نقش اعجاز‌آمیز قرآن در تأثیر بر جامعه آن زمان و همچنین نظام اجتماعی برتر قرآن و نهادهای اجتماعی همچون خانواده و... مورد بررسی قرار نگرفته است.

نظریه‌ها و سنن و قوانینی که در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفته، در حدّ ادعای اعجاز قرآن است و حداقل به عنوان نظریه‌پردازی‌های قرآن مطرح است؛ هر چند که در برخی از این موارد اعجاز قرآن ثابت شده است.

مفهوم قانون و سنت در قرآن و جامعه‌شناسی

«قانون» کلمه‌ای یونانی و به معنای خط‌کش است (زبیدی، تاج العروس، 466/18) و در اصطلاح حقوق، عبارت است از: قضیه کلیه‌ای که یک رشته جزئیات را بیان می‌کند (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، 517). در جامعه‌شناسی هم می‌توان قانون را قواعد هنجاری متعارفی دانست که در قالب قاعده‌های مجاز و موجه و مورد تأیید اعضای جامعه، هدایت‌کننده کردارهای اجتماعی در یک جامعه هستند.

«سنت» واژه‌ای است که در لغت به معنای روش، راه، طریقه، طبیعت، سیره و شریعت آمده است (طریحی، مجمع البحرین، 436/2). این اصطلاح در علوم گوناگون به معانی مختلفی به کار رفته است. سنت در علوم اجتماعی به معنای رفتاری است که همواره وجود داشته و بر اثر ممارست‌های طولانی در افراد ریشه دوانیده باشد (وبر، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، 99). مفهوم «سنت» در کاربرد دینی و قرآنی، به معنای ضوابط موجود در رفتار الهی و روش‌های تدبیر امور عالم از سوی خداوند است (مصباح یزدی، جامع و تاریخ از دیدگاه قرآن، 425).

از مجموع آیات قرآن کریم به خوبی استفاده می‌شود که منظور از «سنت» قوانین ثابت و

اساسی «تکوینی» یا «تشریعی» الهی است که هرگز دگرگونی در آن روی نمی‌دهد، و به تعبیر دیگر، خداوند در عالم تکوین و تشریع اصول و قوانینی دارد که همانند قوانین اساسی مرسوم در میان مردم جهان دستخوش دگرگونی و تغییر نمی‌شود. این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، 437/17)

اهمیت شناخت سنت‌های اجتماعی

شناخت سنت‌های اجتماعی از چند نظر دارای اهمیت است. برخی از موارد بدین شرح است:

1. خداوند سرنوشت و حالات انسان‌ها را شبیه به هم قرار داده، وقتی ما سرنوشت و حالات ملت‌های قبل از خود را بدانیم، به احوال و سرنوشت خویش نیز پی می‌بریم.

2. تسلیم محض قضا و قدر هستیم و نمی‌توانیم سرنوشت خویش را تغییر دهیم و همچنین فکر نکنیم که بیان سنت‌های اجتماعی ما را از دو فکر غلط اف-راط و تفریط برحذر می‌دارد تا ما فکر نکنیم که آزاد مطلق هستیم؛ بنابراین با شناخت سنت‌های اجتماعی می‌توانیم برای آینده خود و جامعه خود برنامه‌ریزی درست نماییم؛ زیرا سرنوشت همه انسان‌ها یکسان است.

3. هدف اصلی مباحث جامعه‌شناختی، شناخت علل، عوامل، آثار و پیامدهای پدیده‌ها و رخدادهایی است که در حاشیه زندگی اجتماعی افراد به وقوع می‌پیوندد. با شناسایی علل و آثار آنها، امکان پیش‌بینی، پیشگیری و تحت کنترل قراردادن رخدادها، و حوادث و مسائل اجتماعی فراهم می‌شود. بررسی سنت‌های اجتماعی ما را قادر می‌سازد تا قوانین و نظام حاکم بر رخدادهای اجتماعی را کشف کرده، با شناخت روابط پدیده‌ها و رخدادهای اجتماعی روند آنها را پیش‌بینی کنیم.

4. آیات قرآن کریم تصریح دارد که هدف از ذکر سنت، اصلاح و هدایت جامعه است: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ * هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» (آل عمران/137-138) این مسأله به خوبی بیان گردیده است. در این دو آیه، ضمن توجه به سنت الهی، سیر در سنت‌ها زمینه‌ساز اصلاح و هدایت انسان‌ها بیان شده است؛ بنابراین، شناخت سنت‌ها و قوانینی که در سایه آن، جامعه اسلامی بتواند راه صلاح را از فساد تشخیص دهد و به آرمان‌های اسلامی در زندگی اجتماعی نزدیک گردد، یکی دیگر از اهداف مطالعه سنت‌هاست (حامد مقدم، سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، 27)

ویژگی‌های قوانین و سنت‌های جامعه‌شناختی در قرآن

قوانین و سنت‌های الهی دارای ویژگی‌های خاصی است. برخی از ویژگی‌ها بدین قرار است:

1. عمومیت داشتن

قرآن کریم با پافشاری فراوان بر روی این قوانین و کلیت و عمومیت آنها اساساً به این قوانین جنبه علمی داده و در افراد، احساسی عمیق و ژرف را برمی‌انگیزد تا مسائل اجتماعی

الهی سرپیچی کردند و گرفتار عذاب شدید و بی سابقه یا کم نظیری شدند و سرنوشت آنان عبرت آموز آیندگان شد. اکنون این آیات به مسلمانان نیز هشدار می دهد که اگر از قوانین و دستورات الهی سرپیچی کنند، مشابه همان سرنوشت دردناک در انتظار آنهاست (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، 109/21)

3. آیات مشخص کننده افراد و گروه های مخالف انبیاء و ادیان الهی؛ مانند «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا» (اسراء/16)؛ «و هرگاه بخواهیم که (مردم) آبادی ای را هلاک کنیم، به سردمداران ثروتمندش فرمان می دهیم و [لی] در آنجا نافرمانی می کنند، پس آن گرفتار (= وعده عذاب) بر آن (مردم) تحقق یابد، و آن (شهر) را کاملاً درهم می کوبیم»

خداوند هرگز قبل از اتمام حجت و بیان دستوراتش کسی را مؤاخذه و مجازات نمی کند، بلکه نخست به بیان فرمان هایش می پردازد. اگر مردم از در اطاعت وارد شدند و آنها را پذیرا گشتند، چه بهتر که سعادت دنیا و آخرتشان در آن است و اگر به فسق و مخالفت برخاستند و همه را زیر پا گذاشتند، اینجاست که فرمان عذاب درباره آنها تحقق می پذیرد و به دنبال آن هلاکت است.

اگر درست در آیه دقت کنیم، چهار مرحله مشخص برای این برنامه بیان شده است که همه آنها با فاء تفریع به یکدیگر عطف شده اند:

1. مرحله اوامر (و نواهی)؛

2. مرحله فسق و مخالفت؛

3. مرحله استحقاق مجازات؛

4. مرحله هلاکت

حال، این سؤال پیش می آید که چرا امر شدگان تنها «مترفین» هستند؟

در پاسخ این سؤال توجه به یک نکته راه گشاست و آن اینکه در بسیاری از جوامع (منظور جامعه های ناسالم است) مترفین، سردمداران اجتماعند و دیگران تابع و پیرو آنها.

به علاوه، در این تعبیر اشاره به نکته دیگری نیز هست و آن اینکه سرچشمه غالب مفاصد اجتماعی نیز ثروتمندان از خدا بی خبری هستند که در ناز و نعمت و عیش و هوس غرق اند، و هر نغمه اصلاحی و انسانی و اخلاقی در گوش آنها ناهنجار است؛ به همین دلیل، همیشه در صف اول مقابله با پیامبران بوده، دعوت آنها را که به نفع عدل و داد و حمایت از مستضعفان بوده، همیشه بر ضد خود می دیدند؛ روی این جهات، از آنها بالخصوص یاد شده است؛ چرا که ریشه اصلی فساد همین گروه هستند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، 59/12)

بنابراین، «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا» یعنی بزرگان قوم را فرمان به اطاعت می دهیم؛ زیرا خداوند به فسق و گناه دستور نمی دهد، بلکه به عدل و احسان فرمان می دهد. شیوه هلاک کردن خدا به

این نحو است که به اطاعت دستور می‌دهد، مرقه‌ها بی‌درد مخالفت می‌کنند و افراد عادی هم از آنان پیروی می‌کنند. آنگاه قهر الهی بر همگان حتمی و محقق می‌شود و عذاب و غضب الهی فرا می‌رسد (قرائتی، تفسیر نور، 32/7)

اراده قهر خدای حکیم، بر اساس زمینه‌های گناه و خصلت‌های منفی ماست، و گرنه خداوند مهربان، بی‌جهت اراده هلاک قومی را نمی‌کند. حضرت رضا(ع) در تفسیر آیه فرموده‌اند: «اراده الهی در این آیه، مشروط به فسق ماست» (صدوق، عیون اخبار الرضا، 165/2)

7. سنت مهلت دادن

یکی از سنن الهی که در سنت عذاب و نابودی جوامع کفر و شرک نیز دخالت دارد، مهلت دادن به آنها تا مدتی معین و سپس هلاکت آنان است؛ یعنی سنت الهی بدین قرار نیست که جوامع را بلافاصله پس از رواج ظلم، ستم، کفر و شرک هلاک نماید، بلکه مدتی بنا بر اراده خویش به آنان مهلت می‌دهد تا آنان را آزموده و حجت را به آنها تمام فرماید و ضمناً در همین زندگی دنیا و لذت‌جویی آنان از تنعمات مادی، آنها را به نوعی عذاب گرفتار کند. البته این سنت یکی از مظاهر الطاف خداوندی است: «وَرَبُّكَ الْعَقُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلاً» (کهف/58)؛ «و پرورگار تو بسیار آمرزنده [و] صاحب رحمت است؛ اگر (بر فرض) آنان را به خاطر دستاوردهایشان مؤاخذه می‌کرد، حتماً در عذاب آنان شتاب می‌نمود؛ بلکه برای آنان وعده‌گاهی است که جز آن هیچ پناهگاهی نمی‌یابند»

خلاصه معنا این است که اگر پروردگار تو می‌خواست ایشان را مؤاخذه کند، عذاب را بر آنان فوری می‌ساخت، لیکن عجله نکرد؛ چون غفور و دارای رحمت است، بلکه عذاب را برای موعدی که قرار داده و از آن به هیچ وجه گریزی ندارند، حتمی نمود. به خاطر اینکه غفور و دارای رحمت است، از فوریت آن صرف نظر فرمود؛ پس جمله «بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ...» کلمه‌ای است که به عنوان حکم صادر گفته شده نه اینکه خیال شود صرف حکایت است؛ زیرا اگر حکایت بود، جا داشت بفرماید: «بَلْ جَعَلَ لَهُمْ مَوْعِداً...» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، 334/13)

نتیجه

اعمالی که انسان در مسیر زندگی انجام می‌دهد، تحت نظام و قانونی است که از آن تخطی نمی‌کند و در حقیقت از یک نقطه مشخصی سرچشمه می‌گیرد و آن این است که انسان می‌خواهد یک زندگی سعادتمندانه داشته باشد که در آن تا می‌تواند کامروا بوده و به خواسته‌ها و آرزوهای خود برسد.

قرآن کریم نه تنها قانونی بودن و سنت داشتن آفرینش را یادآوری می‌کند، برخی از سنن مخصوص را نیز معرفی می‌نماید. هیچ مردمی از بدبختی به خوشبختی نمی‌رسند مگر اینکه عوامل بدبختی را از خود دور سازند و بالعکس، یک ملت خوشبخت را خداوند بدبخت نمی‌کند مگر اینکه خودشان عوامل بدبختی را برای خویش فراهم آورند. خداوند قانون خود را عوض نمی‌کند ما باید خودمان را عوض کنیم.

قرآن در بُعد اجتماعی هم - علاوه بر دیگر ابعاد اعجاز - قوانین و سنی را به جهانیان معرفی می‌کند و ویژگی‌هایی را بیان می‌کند که قبل از آن سابقه نداشته است و دست‌کم می‌توان گفت: تمام این ویژگی‌ها با هم قبل از اسلام و قرآن وجود نداشته است؛ لذا می‌توان از آن به «اعجاز اجتماعی قرآن در عرصه قوانین اجتماعی» یاد کرد.

منابع

1. قرآن کریم، ترجمه دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی انتشارات المصطفی. (1388ش).
2. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم: نشر أدب الحوزه (1405ق).
3. آقایی، محمدرضا، «اعجاز اجتماعی قرآن با تأکید بر قوانین جامعه‌شناسی»، قرآن و علم، بهار و تابستان، ش. 8، (1390ش).
4. آلوسی، سید محمود، لمعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، (1415ق).
5. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ هشتم، (1376ش).
6. حامد مقدم، احمد، «سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم»، مشکوة، تابستان، ش. 11، (1365ش).
7. حویزی عروسی، عبد علی بن جمعه، نورالثقلین، تصحیح و تعلیق از سید هاشم رسولی محلاتی، قم: مؤسسه إسماعیلیان، (1412ق).
8. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء، چاپ چهارم، (1395ق).
9. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، (1378ش).
10. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن 2، قم: جامعه المصطفی العالمیه، چاپ سوم، (1387ش).
11. زبیدی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق از علی شیرینی، بیروت: دار الفکر، (1414ق).
12. زحیلی، وهبه بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دار الفکر المعاصر، چاپ دوم، (1418ق).
13. سمعانی، تفسیر سمعانی، تحقیق یاسر بن إبراهيم و غنیم بن عباس بن غنیم، ریاض: دارالوطن، (1418ق).
14. سیوطی، جلال الدین، الإتقان فی علوم القرآن، تحقیق از سعید المندوب، لبنان: دارالفکر، (1416ق).
15. صدر، سید محمدباقر (بی‌تا)، سنّت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
16. صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، تصحیح و تعلیق از حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، (1404ق).
17. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه، چاپ پنجم، (1417ق).
18. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج، تعلیق سید محمدباقر خراسان، دار النعمان، (1386ش).

19. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، (1372ش).
20. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق از سید احمد حسینی، مکتب النشر الثقافه الإسلامیه، چاپ دوم، (1408ق).
21. طبیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، (1378ش).
22. فراهیدی، خلیل بن احمد، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرای، قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم، (1409ق).
23. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک، چاپ دوم، (1419ق).
24. فولادوند، محمد مهدی، قرآن، تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، (1415ق).
25. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، تهران: الصدر، چاپ دوم، (1415ق).
26. قرائتی، محسن، پرتوی از نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دوم، (1388ش).
27. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، (1383ش).
28. قرشی، سید علی اکبر، أحسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم، (1377ش).
29. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، (1365ش).
30. مدرسی، سید محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، (1419ق).
31. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
32. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، (1368ش).
33. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: دارالفکر، (1383ش).
34. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه التمهید، (1428ق).
35. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامیه، (1424ق).
36. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، (1374ش).
37. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، اللعه دمشقیه، قم: دارالفکر، (1411ق).
38. نجفی خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه، (1398ق).
39. وبر، ماکس، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدارتی، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم، (1371ش).